



یادداشت

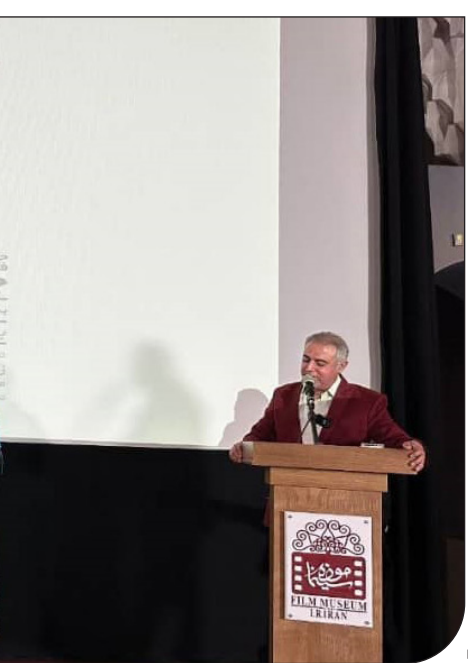
## تتلوهای دیگری در راه‌اند؟



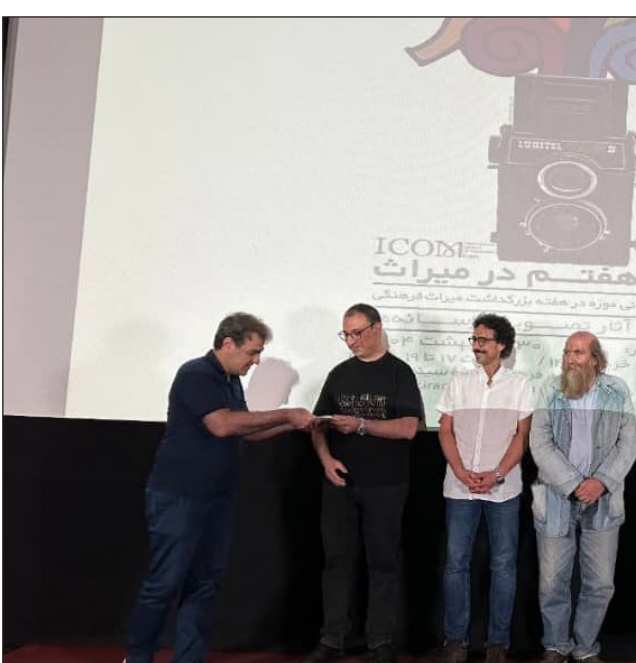
| آرمین منظری |

| روزنامه‌نگار |

شاید در نگاه اول ماجرای «امیرحسین مقصدوللو»، معروف به «امیرتتلو»، عجیب به‌نظر برسد. اما اندکی تأمل در داستان او، احتمالاً این نتیجه را به ذهن متبادر کند که آنچه برای تتلو رخ داد، خروجی طبیعی ساختارسیاسی و اجتماعی ایران است.
قصدم این نیست که هر آنچه را که به‌عنوان جرم بر امیر تتلو مترتب شده است، از اساس منکر شوم؛ چه اینکه دادگاه او برگزار شده و طی روند دادرسی و پس از دفاعیات وکیل، حکمی برای او صادر شده است.
او از برخی اتهامات تبرئه شده و درباره برخی دیگر محکوم شناخته شده است. وکیل او نیز در گفته‌هایش تقاضای رأفت اسلامی برای تتلو داشته است.
در این میان، اما یک سؤال مهم وجود دارد و آن اینکه چرا افکار عمومی در ایران، به‌رغم اینکه دادگاه حکم به محکومیت او داده است، تتلو را قربانی می‌دانند؟ در پاسخ به این سؤال، دیگر استدلال‌های حقوقی و قضایی به‌کار نمی‌آید.
هر آنچه هست، مسیری است که تتلو طی کرده و رفتاری است که ساختار سیاسی و اجتماعی با او داشته است. از منظر آسیب‌شناسانه، نمی‌توان انکار کرد که امیر تتلو با آن روحیات و سابقه اجتماعی و هنری که داشته، مسیرهایی پیش پای خود دیده و هر یک را آزموده است.
اما به‌دلایل متعددی که برخی را می‌دانیم و از برخی مطلع نیستیم، هیچ‌کدام از آن مسیرها او را به آنچه می‌خواست، نرسانده است.
پس از مشکلات بسیار برای کسب مجوز انتشار آلبوم موسیقی، او آهنگ‌هایش را به‌صورت رایگان در فضای مجازی منتشر کرد که البته مورد استقبال نیز قرار گرفت.
در برهه‌ای برخی شخصیت‌های سیاسی به این نتیجه رسیدند که در یک رقابت انتخاباتی می‌توانند روی تعداد دنبال‌کنندگان تتلو در فضای مجازی برای شرکت در انتخابات، حساب باز کنند.
بنابراین، دیداری با او برنامه‌ریزی شد که البته نتیجه مدنظر آن سیاستوران را در پی نداشت و بعدها برخی از آن دیدار به‌عنوان بدترین تصمیم آن کاندیدای انتخابات یاد کردند.
پس‌ازآن، به‌ناگاه تتلو روی عرشه یک پو جنگی دیده شد و روی ناو، آهنگی را خواند و ضبط کرد.
اما همه آنچه تتلو کرد، باعث نشد جایگاهی در فضای فرهنگی و موسیقی کشور به او اختصاص داده شود.
انصاف نیست، اگر نگوییم رسانه‌ها نیز در رساندن تتلو به جایی که حالا هست، نقش داشته‌اند.
تتلو از سوی رسانه‌ها نیز به ابزاری برای تخرخله و حمله به برخی جریانات سیاسی تبدیل شد.
هر چند دیدار یک کاندیدای انتخاباتی با تتلو در سال ۱۳۹۶، نخستین دیدار یک کاندیدای انتخابات ریاست‌جمهوری با یک خواننده رب نبود.
پیشتر و در سال ۸۸ نیز یک کاندیدای دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری با یک خواننده رب دیدار کرده بود و البته آن هم نتایج مثبتی برایش به‌همراه نیاورد.
اما تتلو بیشتر در دسترس بود، بنابراین بیشتر از سوی رسانه‌ها، دستاویز رقابت‌های سیاسی قرار گرفت.
مراد این نیست که خواست و اراده شخص تتلو را رد کنیم. مسلماً او نیز از خود اراده داشت و می‌توانست مسیر دیگری انتخاب کند.
اما به‌طور حتم، اگر دیدی را مبنایی برای تقسیم سهم مسئولیت قرار دهیم، مسئولیتی که متوجه ساختارسیاسی و اجتماعی ایران است، به‌مراتب بیشتر از مسئولیتی است که متوجه امیر تتلو است؛ خصوصاً تتلو که همه می‌دانیم ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری خاصی داشته است.
مقصود این نیست که تتلو را قربانی معرفی کنیم و چشم بر برخی از رفتارهای آسیب‌زننده او بندیم بلکه باید توجه کنیم که گاهی اوقات ساختار منتقد رفتارهای تتلو نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد چنین وضعیتی نقش داشته است.
بنابراین، باید تا حدودی مسئولیت خود را بپذیرد.
از خودبیگانه‌کردن، یکی از خروجی‌های فقدان سیاستگذاری درست و منطبق با واقعیت‌های روز جامعه، در عرصه فرهنگی و اجتماعی است.
اگر قرار است ساختار حکمرانی در ایران، با امیر تتلوهای دیگر مواجه نشود – که هم آسیب‌اجتماعی به‌همراه دارد و هم اتلاف استعداد هنری و فرهنگی است- چارای جز این ندارد که واقعیت‌های این عرصه را آن‌طورکه هستند، مورد توجه قرار دهد؛ نه آن‌طورکه از نظر خودش باید باشد و نیست.
ادامه این نوع نگاه به عرصه فرهنگ، به‌معنای ایجاد امیر تتلوهای دیگر در آینده خواهد بود.
نکته تلخ ماجرا این است که ماه‌هاست که یک ایرانی، هر چقدر هم که مجرم باشد، در بند است و هر از چندگاهی بواسطه داستان و خبری، زندگی و آینده‌اش دستمایه رسانه‌ها و فضای مجازی می‌شود.
مهمتر اینکه هر آنچه امروز درباره تتلو در جریان بوده است، نتوانسته تغییری در قربانی بودن تتلو در نظر افکار عمومی ایران ایجاد کند.
از نظر افکار عمومی ایران، تتلو همچنان قربانی است.



— ۲ —



در چهارمین فیلمواره «چشم هفتم» مطرح شد

# «بی‌وطنی» یا «وطن‌فروشی»؟

ایپام ما| چهارمین فیلمواره «چشم هفتم در میراث»، در حالی در موزه سینما برگزار شد که مستندسازان نسبت به توجه و حمایت متولیان میراث‌فرهنگی به این حوزه ابراز ناامیدی کردند. رئیس انیوم ایران در این مراسم گفت: سینما یک رسانه جامع و کامل است که می‌تواند مفهومی را منتقل کند که گاه با زبان و گاه با قلم امکان بیان آن وجود ندارد، اما افراد زیادی را داریم که در سینمای مستند این حوزه، فعالیت می‌کنند و حتی سال‌ها بعد می‌توان به آن‌ها استناد کرد. «سیداحمد محیط طباطبایی»، با اشاره به جشنواره فیلم‌های مستند «یادگار» که تا سال ۸۴ با همکاری سازمان وقت میراث‌فرهنگی، سازمان صداوسیما و انجمن مستندسازان برگزار می‌شد، ابراز امیدواری کرد شاید «فیلمواره چشم هفتم میراث» بخش کوچکی از آن جشنواره را جبران کند. او وجود امضای مؤلف پای کار مستند را مهمترین نکته مستندسازان سال‌های گذشته دانست و ادامه داد: دهه ۴۰ را می‌توان دهه طلایی سینمای مستند ایران دانست، زمانی که فیلمسازان ما همه مؤلف بودند و کارشان روایتگری صرف نبود.

مشکل امروز ما در میراث‌فرهنگی

«بی‌وطنی» است، نه «وطن‌فروشی»

«پژمان مظاهری‌پور» نیز در این مراسم با تأکید بر اینکه هیچ شناختی نسبت به میراث‌فرهنگی بین مردم و حتی مسئولان وجود ندارد، گفت: زمانی‌که می‌خواهیم مثالی در سینمای مستند به زبان بیاوریم، باید به مستندهای «جام حسللو» اثر محمدرضا اصلانی «تپه‌های مارلیک» اثر ابراهیم گلستان و «تپه‌های قیطره» اثر پرویز کیمیایو اشاره کنیم که این نشان‌دهنده آن است که «سینمای مستند ما در حوزه میراث‌فرهنگی در طول ۶۰ سال گذشته نتوانسته کار جدیدی ارائه کند»

این مستندساز همچنین با اشاره به جشنواره چندرسانه‌ای میراث که بودجه

میلیاردی در اختیار دارد، گفت: هرچند

هزینه‌های گزافی برای برگزاری این جشنواره می‌شود، اما خروجی آن مناسب مستندسازان و ساخت یک موقعیت فرهنگی که به آگاهی بیشتر منجر شود، نیست.

این مستندساز با تأکید بر اینکه هرچند ساخت مستند نسبت به ۲۰ سال قبل در این حوزه بهتر شده است، ادامه داد: اما باز هم هنوز در موقعیت مناسبی قرار نداریم. زمانی‌که با مسئولان و سرمایه‌گذاران این حوزه درباره میراث فرهنگی یا باستان‌شناسی حرف می‌زنیم، سرها به مفهوم تأیید بالا و پایین می‌آید، اما در عمل می‌بینیم که تفاوتی ندارد و کار درست انجام نمی‌شود.

او بیان کرد: مشکل امروز ما ناشتن شناخت از میراث‌فرهنگی نیست، بلکه

مشکل پیام شخصی است که در فضای مجازی خود را مهندس معرفی می‌کند و سکه هاشمیان‌ش را به قیمت ۹۴ میلیارد تومان می‌فروشد.
بنابراین، باید به این فکر کنیم که من مستندساز در کارهایم آنقدر موفق نبوده‌ام که این آموزش را حتی به همکاران خودم بدهم.
از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌ها و سیاستگذاری‌ها نسبت به میراث‌فرهنگی و باستان‌شناسی بسیار هستند.

مظاهری‌پور با بیان اینکه متأسفانه در کشور واژه کرپه «وطن‌فروشی» زیاد استفاده می‌شود، چون چنین افرادی وجود دارند، تأکید کرد: باید این را در نظر داشت که در این شرایط مشکل ما وطن‌فروش نیست، بلکه مشکل ما در حوزه میراث‌فرهنگی «بی‌وطن» است که

برای آن فرد، وطن مهم نیست. او گفت: هرگاه توانستیم با فیلم‌ها و تولید محتوای خود به این نتیجه برسیم و این حساسیت را ایجاد کنیم که افراد قبل از هرچیزی به ایران فکر کنند و زمانی که نام «ایران» برده می‌شود، بغض کنند، آن‌وقت ما موفق شده‌ایم.

چراغ سینمای میراث‌کشور در حال خاموشی‌است

«هادی آفریده»، مستندساز نیز با حضور در این مراسم گفت: میراث‌فرهنگی ایران یک شبکه پیچیده و نظامی بهم‌پیوسته است که همه آن آثار باستانی، اشیای یا بناهای معماری نیست، بلکه بخش مهمی از آن میراث ناملموس و بخشی آداب و رسوم و بخش مهمتر تبارشناسی اقوام ساکن کشور است؛ اقوامی که آیین‌ها و آداب و رسوم‌شان در حال نابودی است و تلاشی هم برای ثبت آنها نمی‌شود.

او با اشاره به درگذشت «آرش کوردسالی»، مستندساز خوزستانی، گفت: آخرین فیلمی که این هنرمند قصد ساختن را داشت اما اجازه ندادند، با موضوع میراث‌فرهنگی بود؛ یک مدیر فرهنگی به او گفته بود اولویت من میراث‌فرهنگی نیست و تلاش‌های او برای ساخت این فیلم به نتیجه‌ای نرسید.

او با تأکید بر این نکته که مگر غیر این است که مستندسازان از زوال میراث جلوگیری می‌کنند، بیان کرد: مدیران زیادی هستند که نهنتها به میراث‌فرهنگی توجه نمی‌کنند بلکه مانع ساخت آن هم می‌شوند.
از سوی دیگر، وضعیت تلویزیون به‌خصوص شبکه مستند درآر‌و‌است.

آفریده با بیان اینکه در شرایط کنونی اگر همت فردی مستندسازان نباشد، چراغ سینمای میراث‌فرهنگی کشور خاموش می‌شود، گفت: وقتی می‌بینم فیلم‌های به نمایش درآمده در فیلمواره با امکانات ساده ساخته می‌شوند، آفسوس می‌خورم که چرا رسانه‌های ما همراهی نمی‌کنند.
او افزود: معتقدم باید مطالبه کنیم چه در رسانه و چه در فضای سینمای مستند و صنف سینمای مستند، تا رویدادهایی مانند جشنواره یادگار برگردد یا دست‌کم چراغ فیلمواره چشم هفتم برای همیشه روشن شود و به‌شکل پایدارتر و پربارتر فعال باشد.

در ادامه «مرجان حاجی‌رحیمی»، دبیر چهارمین جشنواره چشم هفتم در میراث، بیانیه این مراسم را قرائت کرد؛ در این بیانیه تأکید شد که این فیلمواره یک مراسم خصوصی بدون بودجه‌های دولتی است.

خبر

## انتقاد به تردد خودروهای مسئولین در خطوط ویژه

«مهدی بابایی» در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس با یادآوری تذکر پیشین خود در صحن شورای اسلامی شهر تهران درباره تردد مسئولین در خطوط ویژه اتوبوس، نوشت: «دو سال پیش که تذکر دادم خون هیچ مسئولی از مردم رنگین‌تر نیست و باید جلوی تردد مسئولین را در خط ویژه اتوبوس بگیریم، اگر سختگیری درستی به تردد مسئولین توسط پلیس راهور شده بود، حالا شاهد زیر گرفتن پلیس توسط یک آقا‌زاده نبودیم. آقای ردان می‌دانید این مجوزها را کجا صادر می‌کنند؟» درباره حادثه مورد اشاره این عضو شورای شهر، پلیس توضیحاتی ارائه کرد. سرهنگ خبشه، رئیس منطقه سه پلیس راهور تهران بزرگ، گفت: «خودروی مذکور توسط بنده متوقف شد، اما در این حین، به‌صورت غیرعمد با بنده برخورد و باعث مصدومیت‌م شد. بلافاصله خودرو متوقف و اعمال قانون انجام شد. برخلاف برخی شایعات، این خودرو رها نشده است و به‌دلیل ورود به مسیر یک‌طرفه و وقوع سانحه، به پارکینگ منتقل و راننده آن نیز جهت طی مراحل قانونی به کلانتری ارجاع شد.»

او در ادامه توضیحات خود بیان کرد: برای درمان به بیمارستان منتقل شدم. خانواده راننده و شخص آقای علی نیکباز، ناب‌رئیس مجلس، در مرکز درمانی حاضر شدند و ضمن ابراز تأسف، بر انجام کامل مراحل قانونی تأکید کردند. همچنین سردار ردان، فرمانده کل انتظامی کشور، در ساعات اولیه با بنده و همسرم تماس گرفت و جویای احوال شد. ایشان رئیس‌پلیس راهور تهران بزرگ را مأمور پیگیری دقیق این پرونده کردند. سرهنگ خبشه با رد شایعات مربوط به شدت سانحه، گفت: «حادثه آن‌طورکه گفته شده شدید نبود. در حال حاضر در محل کارم حضور دارم و بخش حقوقی فراجا در حال پیگیری موضوع است.»

در این حادثه، بار دیگر موضوع تردد خودروهای دارای مجوز در خطوط ویژه را به چالش کشیده است. خطوط ویژه باید محلی برای تردد اتوبوس‌های تندرو و ماشین‌های امدادی و انتظامی برای کمک و خدمات‌رسانی باشد و نباید مسیری برای دوردن ترافیک خودروهای غیرمجاز باشد. | ایسنا

## زنگ خطر منابع آبی زیرزمینی و سطحی در چهارمحال و بختیاری به صدا در آمده است

سرپرست شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری گفت: با توجه به خشکسالی‌ها و کاهش بارش‌ها و وضعیت دشت‌ها امروز زنگ خطر منابع آبی زیرزمینی و سطحی در استان به صدا درآمده است.

به‌گزارش روابط‌عمومی شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری، «مسلم صادقی»، سرپرست شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری افزود: براساس آمارها دشت‌های شهرکرد، سفید دشت، بروجن و خانمیرزا با پدیده فرونشست زمین درگیر هستند.

سرپرست شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری گفت: در این بین دشت خانمیرزا بیشترین میزان فرونشست زمین را در استان به خود اختصاص داده است. او با اشاره به افزایش دمای محسوس هوا در سال جاری افزود: این موضوع تمام ایران و به تبع آن چهارمحال و بختیاری را در برمی‌گیرد که در چنین شرایطی نیاز آبی جامعه نیز افزایش پیدا می‌کند و برای تأمین این نیاز از سوی شرکت آب‌منطقه‌ای استان، پروژه‌هایی در دست اقدام است که هر یک از این پروژه‌ها در مراحل مختلفی قرار دارند.

سرپرست شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری یادآور شد: یکی از مهمترین اهداف این شرکت تلاش برای تکمیل و افتتاح هرچه زودتر پروژه‌های آبرسانی نیازماتم در سطح استان است تا به این ترتیب بخشی از نیاز آبی موجود از این طریق برطرف شود. سرپرست شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری بیان داشت: صرفه‌جویی شهروندان در مصرف آب یکی از فاکتورهای بسیار مهم در تأمین نیاز آبی موجود در سطح جامعه است. درواقع، اگر حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد صرفه‌جویی در مصرف مختلف آبی اعم از شرب، کشاورزی و صنعت وجود داشته باشد تااستان پیش رو با کمترین مشکل سیری می‌شود.

صادقی افزود: طرح آبرسانی به نیمی از جمعیت چهارمحال و بختیاری مزترین طرح موجود در استان است که در راستای تأمین آب شرب پایدار و سالم برای جمعیتی افزون بر ۴۵۰ هزار نفر در دستورکار قرار گرفت. او ادامه داد: طرح آبرسانی به نیمی از جمعیت چهارمحال و بختیاری فاز نخست بهره‌برداری قرار دارد و در سال ۱۴۰۱ با توجه به شرایط اضطرار به‌صورت موقت وارد مدار بهره‌برداری شد. در حال حاضر تأمین آب شهرها و روستاهای هدف در طرح آبرسانی به نیمی از جمعیت استان با ظرفیتی بالغ‌بر ۴۰۰ لیتر بر ثانیه انجام می‌شود. سرپرست شرکت آب‌منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری گفت: طول خط اصلی این طرح حدود ۱۲۰ کیلومتر و طول خطوط فرعی نیز افزون بر ۱۳۴ کیلومتر است که خط اصلی به‌صورت کامل اجرا شده است، اما بخشی از خطوط فرعی تکمیل نشده است.

صادقی اضافه کرد: براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده در انتهای سال ۱۴۰۳ سه‌گام عملیاتی و اجرایی برای طرح آبرسانی به نیمی از جمعیت استان در نظر گرفته شد که گام نخست مربوط به تأمین نیاز آبی ابتدای سال بود و به‌خوبی انجام شد، گام دوم نیز مربوط به تأمین نیاز آبی تااستان است و برخی اقدامات آغاز شده و برخی اقدامات نیز مستلزم تأمین و تخصیص اعتبار است که در این زمینه نیز پیگیری‌های بسیاری طی دو‌ماه گذشته صورت گرفت.



یادداشت

# هجوم ملخ‌ها به لرستان تکرار یک غفلت زیست‌محیطی



| مهدی خاک‌ی‌فیروزا |

| روزنامه‌نگار |

چند روزی است که تصاویر و گزارش‌هایی از هجوم گسترده ملخ‌های صحرایی به مزارع و مراتع لرستان در فضای خبری و شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود. مردمانی که همواره دل‌نگران خشکسالی، کاهش بارندگی و افت پهرووری خاک بوده‌اند، حالا باید با آفتی مبارزه کنند که محصول زراعی و امنیت غذایی و بهداشت زیستی مناطق روستایی را تهدید می‌کند.

هجوم ملخ‌ها، برخلاف تصور عمومی، صرفاً یک اتفاق طبیعی یا موسمی نیست بلکه نشانه‌ای هشداردهنده از تلاقی سه عامل است؛ ضعف در سامانه‌های پایش و هشدار، نادیده گرفتن داده‌های علمی جهانی و بی‌توجهی به تغییراقلیم و پیامدهایش بر چرخه‌های زیستی منطقه.

هشدارها را چه کسی شنید؟

براساس گزارش سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) که از طریق پلتفرم «Locust Watch» اطلاعات لحظه‌ای درباره حرکت گروه‌های بزرگ ملخ‌ها منتشر می‌کند، طی ماه‌های اخیر تحرکاتی در جنوب شبه‌جزیره عربستان، سودان، اریتره و یمن ثبت شده بود که احتمال مهاجرت ملخ‌ها به خلیج فارس و سپس ایران را افزایش می‌داد. این هشدارها چندین‌بار در بولتن‌های بین‌المللی منتشر شد، اما آنچه غایب بود، واکنش م‌بوقع در داخل کشور بود.

سؤال این‌جاست: چرا سامانه هشدار ملی، از داده‌های منطقه‌ای و پیش‌بینی‌های بین‌المللی بهره‌برداری نکرد؟ چرا هیچ برنامه میان‌استانی برای مقابله هماهنگ با این تهدید تدوین نشد؟ و مهمتر از همه، چرا وقتی در فروردین‌ماه سال جاری نخستین گزارش‌های حضور ملخ‌ها در استان‌های جنوبی منتشر شد، سازوکاری برای مهار آن پیش از رسیدن به لرستان تدارک دیده نشد؟

پاسخ‌ها متأسفانه همان است که در سایر بحران‌های محیط‌زیستی نیز با آن مواجه‌ایم: «فقدان برنامه‌ریزی بلندمدت، ضعف در مدیریت یکپارچه منابع طبیعی و وابستگی شدید به واکنش‌های لحظه‌ای.»

ملخ‌ها فقط در ایران هجوم نمی‌آورد

پدیده مهاجرت و هجوم ملخ‌ها، سابقه‌ای دیرینه در اقلیم‌های خشک و نیمه‌خشک دارد. اما آنچه در دهه‌های اخیر باعث تشدید این بحران

ابزارهای پایش دیجیتال و سامانه‌های موقعیت‌یابی بهره برد. این فناوری‌ها که در کشور نیز قابل بومی‌سازی هستند، با هزینه‌ای کمتر از خسارت‌های واردشده، توان پیشگیری و کنترل را چندبرابر می‌کنند. ضروری است شبکه‌های هشدار محلی از نو طراحی شوند. دهیاری‌ها، شوراهای روستایی، نهادهای جهادکشاورزی و تشکل‌های مردمی باید آموزش ببینند و به عضوی فعال از نظام پایش آفات بدل شوند. مشارکت محلی ابزار مقابله و شرط موفقیت در مهار این‌گونه بحران‌هاست.

شفافیت و اطلاع‌رسانی مبوقع نیز نباید فراموش شود. تجربه‌کشورهایی ایجاد فرصت‌های رشد سریع برای جمعیت‌های ملخ‌هاست. در سال ۲۰۱۹ شرق آفریقا یکی از گسترده‌ترین هجوم‌های ملخ را تجربه کرد. اتیوپی، سومالی و کنیا با بحران امنیت غذایی مواجه شدند. اما آنچه در آن کشورها اتفاق افتاد، برخلاف ایران، تلفیقی از مدیریت داده‌محور، استفاده از فناوری‌های نوین و اقدام‌های منطقه‌ای هماهنگ بود. سازمان FAO کمک کشورهای کمک‌کننده، شبکه‌ای از پهبادهای شناسایی، سامانه‌های تصویربرداری ماهواره‌ای و واکنش سریع مبتنی‌بر GIS ایجاد کرد تا بتواند مسیر حرکت ملخ‌ها را با دقت بیشتری پیش‌بینی و کنترل کند.

در هند، همکاری بین دولت مرکزی و ایالت‌ها منجر به ایجاد سامانه هشدار چندمرحله‌ای شد که از شش ماه پیش از رسیدن آفت، برنامه‌های مقابله‌ای را اجرایی می‌کرد. حتی در استرالیا که با ملخ‌های بومی روبه‌روست، کشاورزان با سامانه‌های محلی مدیریت آفات، خود به بخشی از شبکه پایش و اقدام بدل شده‌اند.

ما چه کردیم؟

در ایران هنوز مدل واکنش به بحران‌ها غالباً «اداری»، بخشی و لحظه‌ای» است. اگر در استان‌های جنوبی کشور، از جمله خوزستان، هرمزگان و بوشهر، شبکه‌های پایش محلی ایجاد شده بود، اگر پهبادهای ارزان‌قیمت، ابزارهای میکروکنترلی و داده‌های بین‌المللی جدی گرفته می‌شد و اگر نهادهای زیست‌محیطی و کشاورزی هماهنگ عمل می‌کردند، امروز شاهد حرکت گروه‌های انبوه ملخ‌ها به مناطق غربی کشور نبودیم.

واقعیت آن است که مراتع لرستان به‌دلیل شرایط خاص توپوگرافی، پوشش گیاهی متنوع و اقلیم نیمه‌مرطوب، آسیب‌پذیرتر از بسیاری مناطق هستند ولی درعین‌حال، اهمیت فوق‌العاده‌ای در تعادل اکولوژیکی زاگرس دارند. هجوم ملخ‌ها به این نواحی به نابودی زیستگاه‌های جانوری، کاهش تنوع گیاهی و اختلال در معیشت جوامع محلی منجر می‌شود.

چه باید کرد؟

اکنون که بحران رخ داده، تنها راه، ترکیب مدیریت اضطراری با اصلاح زیرساخت‌های پایش و آمادگی است. در گام نخست، باید به‌جای تکیه کامل بر سموم شیمیایی، به سراغ راه‌حل‌های زیستی رفت. استفاده از قارچ‌هایی مانند Metarhizium anisopliae که در بسیاری از کشورها با موفقیت برای کنترل ملخ‌ها به‌کار رفته‌اند، گزینه‌ای مؤثر و کم‌خطر برای طبیعت حساس زاگرس است.

در کنار آن، می‌توان از ظرفیت فناوری‌هایی چون پهبادهای شناسایی،



## برنامه‌ریزی موزه محور در توسعه مقاصد گردشگری فرهنگی



| مه‌ران حسینی |

| نایب‌رئیس انجمن گردشگری پایدار سبز مازندران |

موزه‌ها به‌عنوان نهادهایی زنده و پویا در ساختار فرهنگی و اقتصادی کشور هم حافظان بی‌بدیل تاریخ‌اند و هم «پیش‌ران توسعه گردشگری» محسوب می‌شوند. موزه‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای کلیدی در نظام فرهنگی کشورها، در دهه‌های اخیر کارکردی فراتر از حفاظت و نمایش میراث پیدا کرده‌اند و به بازیگرانی فعال در صنعت گردشگری و توسعه پایدار تبدیل شده‌اند. از طرفی گردشگری در قرن ۲۱ با تحولات اساسی در تقاضا، تجربه و انگیزه سفر مواجه شده است. گردشگران امروز، دیگر صرفاً مصرف‌کننده مناظر طبیعی یا بناهای تاریخی نیستند، بلکه جویای تجربه‌های عمیق از فرهنگ، معنا و هویت بومی‌اند. در این میان، موزه‌ها به‌عنوان فضاهایی میان‌رشته‌ای در پیوند تاریخ، هنر، جامعه و فناوری جایگاهی راهبردی در شکل‌گیری مقاصد گردشگری فرهنگی پیدا کرده‌اند. یکی از رویکردهای نوین در مطالعات گردشگری، توجه به مفهوم «خلق تجربه معنادار» Cultural EXperience Meaningful است. موزه‌ها با ارائه روایت‌های چندلایه از گذشته، امکان بازسازی ذهنی تاریخ را برای گردشگر فراهم می‌کنند. استفاده از تکنولوژی‌های تعاملی، نمایشگاه‌های موقت، راهنمایی تخصصی و برنامه‌های مشارکت‌محور، موزه‌ها را از یک مکان ایستا به یک فضای پویا بدل کرده‌اند که می‌توانند کنشگری فرهنگی گردشگری را برانگیزند.

همچنین، موزه‌ها می‌توانند جاذبه اصلی مقصد Primary Attraction باشند. مانند موزه لوور پاریس یا موزه ایران باستان در تهران، به‌عنوان جاذبه‌های مکمل در کنار سایر گردشگر سفر عمل کنند. در مطالعات بازار گردشگری مشخص شده است گردشگرانی که از موزه بازدید می‌کنند، معمولاً سطح بالاتری از مشارکت فرهنگی، هزینه‌کرد و رضایت سفر را دارند.

به‌طور قطع، موزه‌ها نقش کلیدی در تحقق سگانه توسعه پایدار -زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی- ایفا می‌کنند. با تمرکز بر آموزش عمومی، پاسداری از میراث ناملموس، ارتقای سواد فرهنگی و ایجاد اشتغال محلی، موزه‌ها می‌توانند به موتور محرک توسعه در جوامع محلی تبدیل شوند. (درین‌حال، آنها الگوهایی برای حفاظت غیرمخرب از منابع تاریخی و فرهنگی نیز به‌شمار می‌روند، برنامه‌های مشترک بین موزه‌ها و مدارس، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی گردشگری زمینه‌ساز ایجاد «گردشگری آموزشی و عملی» است. همچنین، موزه‌ها می‌توانند در قالب «گردشگری کودک» و «گردشگری سالمندان» و «تورهای فرهنگی خاص» در تنوع‌بخشی محصولات گردشگری تأثیر بسیار داشته باشند.

یکی دیگر از نقش‌های مهم و مؤثر موزه‌ها، «بازاریابی موزه‌ای و دیپلماسی فرهنگی» است. بازاریابی مؤثر موزه‌ها و حضور آنها در فضای بین‌المللی، نه‌تنها باعث افزایش بازدیدکننده بلکه موجب ارتقای برند ملی و دیپلماسی فرهنگی کشور می‌شود. تبادل نمایشگاه‌های موقت، حضور موزه‌ها در بازارهای دیجیتال و تعامل با پلتفرم‌های گردشگری جهانی از راهکارهای شناخته‌شده برای افزایش سهم موزه‌ها بر‌بازار گردشگری بین‌المللی است.

موزه‌ها در عصر حاضر دیگر نهادهایی صرفاً حفاظتی یا آموزشی نیستند، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از زنجیره گردشگری فرهنگی، اقتصاد خلاق، توسعه پایدار شهری و روستایی به‌شمار می‌آیند. در ایران، با توجه به غنای کم‌نظیر تاریخی و برخورداری از رتبه جهانی و تنوع فرهنگی، بازتعریف نقش موزه‌ها در سیاس گذارن‌های گردشگری و ارتقای سطح مدیریت آنها ضرورتی راهبردی است. سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌ها، توانمندسازی نیروی انسانی، نوآوری در روایتگری و پیوند با جامعه محلی می‌تواند موزه‌های ایران را به جایگاه شایسته در صنعت گردشگری منطقه‌ای و جهانی برساند.



### اظهارنظرهای مسئولان شهری و میراثی درباره سرنوشت آثار تاریخی بوستان یاس متناقض است

# میراث فجری پشت دیوار سیمانی پس از هشت ماه پنهان کاری

**ایپام ما| در ورودی بوستان بسته است. نگهبان می‌گوید چند ماه است که اجازه ورود به کسی داده نمی‌شود. وقتی درباره کشف آثار تاریخی در بوستان می‌پرسم، می‌گوید: «شما کی هستی؟ از کجا می‌دانی؟» بالاخره در را باز می‌کند و می‌گوید: «هر چی هست پشت این دیوارهای سیمانی پیدا شده.» حدود دو متر دیوار سیمانی را اسفندماه گذشته دور گودالی عمیق که آثار آن پیدا شده، کشیده‌اند. تابستان سال گذشته بود که آثار تاریخی در بوستان مادر و کودک (یاس) کشف شد و تا هفته گذشته که رئیس کمیته گردشگری شورای شهر تهران و شهردار منطقه۳ آن را رسانه‌ای کردند، نه مسئولان میراث‌فرهنگی استان تهران و نه مدیران شهرداری درباره آن صحبت نکرده بودند. «محسن سعادتی»، معاون میراث‌فرهنگی استان تهران، به «ایپام ما» می‌گوید: «پژوهشگاه میراث‌فرهنگی به موضوع ورود کرده و در حال بررسی است. ما منتظر نتایج پژوهشگاه بودیم تا اظهارنظر کنیم.» حفاری پروژه متوقف شده، اما هنوز اطلاعاتی درباره انجام مطالعات و جزئیات بررسی‌ها در دست نیست. تنها اظهارات کلی «احمد علوی»، رئیس کمیته گردشگری شورای شهر تهران، درباره قدمت آثار کشف‌شده در دست است که گفته: قدمت آثار مربوط به دوران قاجار و پهلوی اول است. از طرفی نشانه‌ای از انجام مطالعات باستان‌شناسی در محوطه محصورشده دیده نمی‌شود و نگهبان هم می‌گوید: «تا جایی که من دیدم، همان روزهای اول چند نفر از میراث و شهرداری آمدند، دیدند و بعد رفتند و خبری نشد.» چندی پیش هم که در بهشت زهراي تهران آثاری به‌دست آمد، مسئولان در مورد حفاری‌های بهشت زهرا سکوت کرده بودند، تا روزی که یکی از فعالان شبکه‌های اجتماعی موضوع کشف آثار باستانی در این محدوده را منتشر و مسئولان را مجبور به واکنش کرد؛ هر چند در قبال این موضوع هم مسئولان میراث‌فرهنگی ابراز بی‌اطلاعی و دوباره سکوت پیشه کردند و مسئله را به گذر زمان سپردند و امید به هیاهوی اخبار روز بستند.**

می‌کند. اما گويا احمد علوی، رئیس کمیته گردشگری شورای شهر تهران، برخلاف معاون میراث‌فرهنگی استان، از نتایج مطالعات خبر دارد: «چند ماه پیش، طبق مصوبه شورای شهر درباره مخازن آب دفنی در استان‌ها به‌منظور مدیریت ناترازی آب، عملیات حفاری در بوستان مادر و کودک، واقع در بوستان یاس منطقه۳، انجام شد. در جریان این حفاری، همکاران ما به تعدادی بنا و سازه تاریخی برخورد کردند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد این بنای تاریخی، احتمالاً متعلق به اواخر دوره قاجار یا اوایل پهلوی اول، در این محدوده وجود داشته‌که بخشی از آن از زیر خاک بیرون آمده است. بااین‌حال، ادامه مطالعات تخصصی توسط

بود مخزن بتنی آب خام نصب شود، اما در جریان گودبرداری به آثار و اشیای تاریخی برخورداند. به‌گفته جوانی، موضوع به اداره‌کل میراث‌فرهنگی تهران ارجاع داده شد و در نهایت دستور توقف پروژه صادر شده است تا زمانی که در مورد آن تصمیم‌گیری شود. هنوز تصمیم‌گیری روشنی در مورد این محدوده صورت نگرفته است. «محسن سعادتی» در پاسخ «ایپام ما» در مورد اینکه چرا درباره این پروژه هشت ماه سکوت کرده‌اند، می‌گوید: «ما سکوت نکردیم، پروژه به پژوهشگاه میراث‌فرهنگی سپرده شده بود و ما منتظر گزارش پژوهشگاه بودیم.» او ذکر جزئیات در مورد انجام مطالعات و نتایج آن را به زمانی دیگر موکول

تابستان سال گذشته وقتی دور یک بخش از پارک را محصور کردند، اهالی با این تصور که فرار است درختان پارک را قطع کنند، شروع به اعتراض کردند و صدایشان را به شهرداری منطقه رساندند. چندی بعد جای گونی‌های آبی را یک دیوار بلند سیمانی گرفت. ماجرا جدی‌تر از قطع چند درخت در پارک بود. حالا کسی اجازه ورود به پارک را نداشت. چند ماه بعد هم بخشی از محدوده شمالی پارک با دیواری سیمانی محصور شد. هفته گذشته بالاخره مدیران شهری تصمیم گرفتند موضوع را رسانه‌ای کنند. «حمید جوانی»، شهردار منطقه ۳، اعلام کرد در بوستان یاس درختی قطع نشده و حصارکشی اطراف محدوده‌ای انجام شده است که قرار



**ماجرا جدی‌تر از قطع چند درخت در پارک است چند ماه است که بخشی از محدوده شمالی پارک با دیواری سیمانی محصور شده. هفته گذشته بالاخره مدیران شهری تصمیم گرفتند بعد از هشت ماه موضوع را رسانه‌ای کنند**

**در جریان حفاری یک پروژه عمرانی در بیمارستانی در شیراز اتفاق افتاد**

## کشف سیستم فاضلاب تاریخی در شیراز

هشدار داد که ادامه گودبرداری و حفاری غیراصولی در این منطقه می‌تواند منجر به تخریب بخش‌های ارزشمند این اثر شود و خواستار ورود فوری و جدی کارشناسان اداره‌کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان فارس برای بررسی و مستندسازی این کشف شد. او تأکید کرد: «درصورت تأیید کارشناسان، این کشف می‌تواند شواهدی تازه از ساختار شهری و مدیریت زیرساختی شیراز در دوره‌های تاریخی ارائه دهد. اما اگر بی‌توجهی ادامه پیدا کند، خطر نابودی این اثر جدی است.»

شیراز از جمله شهرهای با بافت تاریخی ارزشمند در ایران محسوب می‌شود که به‌گفته بسیاری از پژوهشگران، لایه‌های زیرین آن آثار فراوانی از ادوار مختلف تاریخی پنهان است. بااین‌حال، بسیاری از پروژه‌های عمرانی بدون

ارزیابی و نظارت‌های باستان‌شناسی انجام می‌شود که در سال‌های گذشته نیز به تخریب برخی از این لایه‌های تاریخی منجر شده است. نمونه‌ای از این موارد، برخورد حفاری مترو در محدوده حافظیه با یک سازه معماری و آب‌انبار تاریخی بود که با وجود ارائه مستندات توسط کارشناسان و تصاویر منتشرشده، مسئولان شهری و مدیریت وقت میراث‌فرهنگی فارس وجود آن را انکار کردند. کشف اخیر می‌تواند نشانه‌ای از لزوم بازنگری در روند پروژه‌های عمرانی در شیراز و دیگر شهرهای تاریخی ایران باشد؛ چراکه زیرساخت‌های باستانی نغتنها بخشی از تاریخ معماری و شهرسازی کشور هستند، بلکه روایتگر شیوه زندگی و مهندسی پیشینیان ما نیز محسوب می‌شوند. |ایلنا

فعالان میراث‌فرهنگی استان فارس از کشف یک سیستم فاضلاب تاریخی در جریان حفاری‌های یکی از بیمارستان‌های شهر شیراز خبر داده‌اند. به‌گفته این فعالان، ساختار این سیستم با نمونه‌های مشابه کشف‌شده در محدوده ارگ کریمخان زند شباهت زیادی دارد و احتمال می‌رود این سازه، بخشی از شبکه فاضلاب یکپارچه و تاریخی شهر شیراز باشد.

این کشف در بی حفر چاهی در محوطه یکی از بیمارستان‌های واقع در مرکز شهر شیراز انجام شده است. سازه شناسایی‌شده در عمق سترمی زمین قرار دارد و دیواره‌های آن از ترکیب سفال‌های نیم‌حلالی و سنگ‌چین ساخته شده است.

«میلاذ شیرکش»، فعال میراث‌فرهنگی استان فارس، با تأیید این موضوع گفت: «سازهای که در جریان حفاری کشف‌شده بافتی کاملاً تاریخی دارد و ویژگی‌های ساختاری آن نشان می‌دهد بخشی از یک سیستم فاضلاب قدیمی است. برخی از دیوارها با سفال نیم‌حلال ساخته شده‌اند و بخش‌هایی نیز با استفاده از سنگ‌چین شکل گرفته‌اند.» او درباره جزئیات این سازه گفت: «درون این سازه نمونه‌هایی از سفال تاریخی یافت شده است که از لحاظ سبک و شیوه ساخت با سفال‌هایی که پیش‌تر در سیستم فاضلاب بخش بیرونی ارگ کریمخان زند شناسایی شده بودند، تطابق کامل دارد. این تطابق گواهی بر آن است که سازه‌ی کشف‌شده می‌تواند ادامه همان سیستم فاضلاب یکپارچه‌ای باشد که در سده‌های گذشته در شیراز وجود داشته است.» این فعال میراث‌فرهنگی

وزارت میراث‌فرهنگی و پژوهشگاه میراث ضروری است.» این اولین‌بار نیست که حفاری‌ها در تهران با آثار تاریخی برخورد می‌کنند. دشت تهران سابقه سکونت چندهزارساله دارد و هر بار نشانه‌ای برای مرور تاریخ این سکونت باستانی سر از خاک بر می‌آورد. یک روز در قیطره و روز دیگر در دروس و روزی در مولوی و در ماه‌های اخیر در محله پاسداران و خیابان دولت، باید دید میراث‌فرهنگی بالاخره چه زمانی قرار است روایت این کشفیات جدید و اطلاعات بیشتری از این بنا را که در نزدیکی باغ سفارت انگلیس قرار دارد، منتشر کند.

### کشفیات باستان‌شناسی تهران

ریشه‌های چندهزارساله این شهر نمی‌خواهند در میان هیاهو و ساخت‌وسازها و شلوغی‌های پایتخت فراموش شوند. همین است که هرازگاهی در گوشه‌ای سر بیرون می‌آورند تا بخشی از تاریخ آن را روایت کنند؛ از تپه‌های قیطره که با بیش از ۳۵۰ گور باستانی، بخشی از تاریخ تهران را تکمیل کردند و نشان دادند ساکنان سه هزار سال پیش این شهر تا چه اندازه اهل هنر بوده‌اند و چه زندگی شگفت‌انگیزی داشته‌اند تا بانوی هفت‌هزارساله مولوی که تاریخ تهران را تغییر داد، همه، نشان می‌دهند تهران نباید نشانه‌های تمدنی خود را زیر پای برج‌ها و آسمان‌خراش‌ها قربانی کند.

سال ۱۳۳۷ بود که لودرها در قیطره یکی از مهمترین محوطه‌ها باستانی تهران را کشف کردند. توسعه تهران به تپه‌های قیطره رسیده بود و لودرها در حال پیش بردن پروژه‌ای ساختمانی بودند که گورستانی تاریخی نمایان شد. کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی آغاز و تمدنی بااهمیت و ارزشمند شناسایی شد. البته پیش از این اتفاق نیز نشانه‌هایی در همان محدوده کشف شده بود، از جمله آثاری که یکی از کارکنان سفارت انگلیس به موزه بریتانیا هدیه داده بود و بعد از اکتشافات قیطره این احتمال قوت گرفت که این آثار هم از تپه‌ای در همان حوالی به‌دست آمده باشد. یا زمانی که در محله دروس و باغ مهدی‌قلی‌خان هدایت آثاری از یک گورستان باستانی کشف شد، باز هم نشانه‌های کوچکی از یک تمدن بزرگ بود که در اواخر دهه ۳۰ پازل آن در کاوش‌های تپه قیطره تکمیل شد. حفاری‌های قیطره منجر به شناسایی یکی از گسترده‌ترین گورستان‌های باستانی تهران شد. ۳۵۰ گور باستانی کشف شد و از دل این گورها بیش از دو هزار و ۵۰۰ طرف سفالی، ابزار مفرغی، زیورآلات و حتی خنجرهایی بیرون آمد که گویی همگی هزاران سال پیش همراه مردگان دفن شده بودند. در این کاوش‌ها هیچ سازه یا بنای معماری کشف نشد، به‌جز بخش کوچکی در نزدیکی دیوار شرقی پارک قیطره که به‌نظر می‌رسد ساکنان باستانی این محدوده آن صحراها را برای ایجاد سکونتگاه‌های موقت، هموار کرده بودند. آثار به‌دست‌آمده در کاوش‌های قیطره به موزه ملی ایران منتقل شدند؛ هر چند آثاری که پیش‌ازآن کشف شده بودند، سر از موزه بریتانیا درآوردند.

کشف جنجالی قیطره با آن حجم از اطلاعات پژوهشی که در اختیار باستان‌شناسان و پژوهشگران گذاشت، آخرین کشف باستانی تهران نبود. در سال ۱۳۹۳، حفاری‌های شرکت فاضلاب در خیابان مولوی تهران، منجر به کشف آثاری از سکونت در دشت تهران شد، اما قدمت آثار به‌دست‌آمده بیشتر از آثار قیطره بود. اسکلتی که در مولوی کشف شد، به گواه پژوهشگران هفت هزار سال قدمت داشت. اسکلت متعلق به زنی ۳۵ساله بود که حدود هفت هزار سال پیش در همین محدوده زندگی می‌کرده و احتمالاً بر اثر عفونت استخوانی جان خود را از دست داده بود. قرار شد محوطه کشف بانوی هفت‌هزارساله تبدیل به سایت موزه شود، و اسکلت به موزه ملی ایران منتقل شد تا شاید روزی بانوی هفت‌هزارساله بخش بزرگتری از تاریخ تهران را نقل کند؛ بخشی که هنوز نمایان نشده است.

حالا هم بخش دیگری از تاریخ پایتخت که روایتی معاصر از این شهر را بیان می‌کند، ماماهاست که سر از خاک بیرون آورده و در سکوت چشم به آسمان این شهر و حصار سیمانی اطرافش دوخته تا ببیند سرنوشتش چگونه رقم خواهد خورد.

### خبر

**پژوهشگر تاریخ راه‌آهن ایران اطلاعات جدیدی درباره تاریخ آغاز ساخت راه‌آهن مطرح کرد**

## روایتی تازه از یک پروژه تاریخی

«محمد محسنیان»، پژوهشگر تاریخ راه‌آهن ایران، با اشاره به اختلاف دیدگاه درباره تاریخ آغاز راه‌آهن سراسری ایران، تأکید دارد برخلاف باور رایج مبنی‌بر آغاز رسمی این پروژه در ۲۶ مهر ۱۳۰۶، مستندات تاریخی نشان می‌دهد نقطه آغاز واقعی این طرح به ۹ خرداد ۱۳۰۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که مجلس شورای ملی با تصویب قانونی، مالیاتی ویژه بر قند، شکر و چای وضع کرد تا منابع مالی احداث راه‌آهن تأمین شود. به‌گفته او، همین مصوبه نقطه شروع تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجرایی این پروژه ملی بود و کلنگ‌زنی دو سال بعد، نتیجه آن فرایند برنامه‌ریزی وجود دارد. نه آغاز آن. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه حمل‌ونقل نبود، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در قالب طرح‌ها و اطلاع‌رسانی در این زمینه انجام‌گیری راه‌آهن را پیشرو کردند. او با تأکید بر اینکه راه‌آهن برای ایران تنها یک پروژه صنعتی نیست، بلکه نمادی از توسعه ملی و ابزار صنعتی شدن به‌شمار می‌رفت، می‌گوید: ورود آن نتیجه تلاش و مطالبه جامعه نخبگان و متخصصان بود. در این مسیر، افراد برجسته‌ای چون مستشارالدوله و کاشف‌السلطنه نیز در









عکس نوشت

منبع: نگارستان



«ارپش فریدریش اشمیت» این تصویر را از دروازه قرآن در شیراز در دوره پهلوی اول به ثبت رسانده است. دروازه قرآن به دستور عضدالدوله دیلمی از حاکمان پرواوزه دیلمیان در دوران حکومت آل‌بویه ساخته شده است.

چالش سبز هفته

هوای پاک‌تر با حمل‌ونقل عمومی



چالش سبزی که هفته گذشته انتخاب کردیم، استفاده از محصولات طبیعی برای تمیزکاری بود. این هفته پیشنهاد ما به شما استفاده از حمل‌ونقل عمومی است. حمل‌ونقل عمومی یکی از بهترین راه‌ها برای کاهش آلودگی هوا و مصرف سوخت است. در این هفته، سعی کنید حداقل یک روز از حمل‌ونقل عمومی استفاده کنید. اگر مسیرتان نزدیک است، از دوچرخه یا پیاده‌روی استفاده کنید. با کاهش استفاده از خودروهای شخصی، به حفظ هوای پاک کمک می‌کنید و اثرات مثبتی بر محیط‌زیست می‌گذارید.

نکته‌وحش

پرنده‌گانی که از زمین می‌ترسند



«بادخورک‌های معمولی» به‌ظاهر شبیه چلچله‌ها هستند، اما تفاوت‌های کوچکی دارند. بال‌های چلچله کوتاه‌تر و پهن‌تر است، درحالی‌که بادخورک‌ها بال‌های بلند و نوک‌تیز دارند که در پرواز به‌راحتی از هم تشخیص داده می‌شوند. بدن بادخورک‌ها لاغر و دوکی شکل است و دهانشان برخلاف نوک کوچک، بزرگ است. نکته جالب اینجاست که بادخورک‌ها برای نشستن روی زمین مناسب نیستند! وقتی روی زمین بیفتند، دیگر نمی‌توانند پرواز کنند. بنابراین، آشیانه‌های خود را در ارتفاعات می‌سازند تا از بالا خود را به‌سوی زمین پرتاب کنند.

حاشیه‌نگاری

رخ‌نمایی سنت و مدرنیته در کنسرت علیرضا قربانی

آرزوی خفته در باد «ایرانم»



معصومه دیودار | روزنامه‌نگار

غیاثی، احمد امیرخیللی و حمید خلف‌بیگی اجرا شد. حسام ناصری، علیرضا افکاری و مهیار عزیززاده آهنگسازان قطعات این تورکنسرت هستند.

سازه پرتابل برای اجرای کنسرت

شاید بتوان گفت یکی از تفاوت‌هایی که در این فصل از کنسرت‌های قربانی شاهد هستیم، جایگاه و صحنه بزرگ‌نمایی این کنسرت است که روی سازه‌های پرتابل اجرا می‌شود. «محسن خباز»، تهیه‌کننده این برنامه چندی پیش درباره روند ساخت جایگاه و صحنه بزرگ‌نمایی فصل جدید کنسرت‌های قربانی گفته بود: «عملیات عمرانی در آن قالب یک سازه پرتابل طراحی شده و براساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌گرفته ظرفیت پیش‌بینی‌شده مجموعه کنسرت‌های علیرضا قربانی در فصل جدید هفت هزار و ۵۰۰ نفر است که سازه پرتابلی که طراحی‌شده قابلیت افزایش به ۱۰ هزار نفر را هم دارد. شرایطی که می‌تواند مبدأ خوبی برای برگزاری رویدادهای ملی حوزه موسیقی و کنسرت‌های پرجمعیت دیگر براساس سازه پرتابل ویژه‌ای که طراحی شده، باشد.»

گفته می‌شود چنین اجرائی برای نخستین‌بار در ایران با چنین ظرفیتی از مخاطب و در سازه‌ای متفاوت برگزار می‌شود. در فضای انتظار کنسرت در فضای باز استاندارد آزادی امکان استقرار مخاطبان و غرفه‌های مختلف در نظر گرفته شده است که افراد می‌توانند ساعاتی را در آنجا بگذرانند و پس از ورود به محل اجرای کنسرت، در صندلی‌های خود مستقر شوند. البته یکی از نگرانی‌هایی که درباره این سازه وجود

آنچه در این فصل از کنسرت‌های علیرضا قربانی در نظر گرفته شده است، سازه پرتابل ویژه‌ای که طراحی شده، باشد. گفته می‌شود چنین اجرائی برای نخستین‌بار در ایران با چنین ظرفیتی از مخاطب و در سازه‌ای متفاوت برگزار می‌شود. در فضای انتظار کنسرت در فضای باز استاندارد آزادی امکان استقرار مخاطبان و غرفه‌های مختلف در نظر گرفته شده است که افراد می‌توانند ساعاتی را در آنجا بگذرانند و پس از ورود به محل اجرای کنسرت، در صندلی‌های خود مستقر شوند. البته یکی از نگرانی‌هایی که درباره این سازه وجود

تورکنسرت «ایرانم» علیرضا قربانی که قرار بود با اجرای تازه از روز یکشنبه، ۴ خرداد، در فضای باز غربی استادیوم آزادی آغاز شود، به‌دلیل اعلام هشدار نازنجی هواشناسی و احتمال بروز طوفان در شهر تهران کنسل شد. بدین‌ترتیب، تورکنسرت «ایرانم» از ۶ خرداد در تهران آغاز شد و در نهایت با انتخاب ده‌ها قطعه شعر و ترانه کلاسیک و معاصر همچون «چه کنم جان و جهان را» و «روزگار غریب»، «نازنین» و «ارغوان» مخخوانی هزاران نفر را همراه صدای حزن‌انگیز قربانی کرد.

علیرضا قربانی در فصل جدید برگزاری کنسرت‌های خود، تور کنسرت «ایرانم» را در برنامه قرار داده است و پس از تهران در شهرهای شیراز، یزد، کرمان، اصفهان، اهواز، تبریز و نیاشور ادامه پیدا می‌کند. در نخستین شب کنسرت «ایرانم» قطعاتی نیست، شو، بوی گیسو، هم‌گناه، هم‌فقس، خیال خوش، مرا ببخش، شیدا، هنوز عشق تو (ماهور)، شوشتری، مست عشق، ارغوان، بی‌گناه، در زلف تو آویزیم، پل، پرواز قوها و روزگار غریب با اشعاری از مولانا، امیرخسرو دهلوی، واقف لاهوری، خوشنگ اینتاج، احمد شاملو، غلامرضا طریقی، حسین

دیدگاه

۸۰ سال پس از اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت کرمانشاه

اعتراض حقه



احمدرضا محمدی | روزنامه‌نگار

حفری، لوله‌کشی و احداث پالایشگاه در پنج کیلومتری شمال شهر کرمانشاه و در کنار رود قره‌سو شروع شد و پالایشگاه دو سال بعد، با ظرفیت پالایش یک‌صد هزار تن نفت خام در سال فعالیت خود را آغاز کرد. مهندسان، سرکارگران و کارگران در ابتدا از نیروهای پالایشگاه آبادان بودند، اما به‌مرور نیروهای محلی آموزش دیدند و اضافه شدند.

پس از اشغال ایران توسط قوای متفقین در جنگ جهانی دوم، به‌سبب آشفتگی فضای سیاسی و بلشوی حاکم، احزاب سیاسی و مطبوعات آزادانه‌تر، فعالیت خود را بی‌گرفتند؛ اما همچنان حزب توده از این مهم برکنار ماند، چراکه تلاش برای تأسیس شعبه‌ای از این حزب در کرمانشاه در مرداد ۱۳۲۱، با مقاومت کلنکل «فلچر»، مستشار نظامی و سیاسی انگلیس در آن شهر مواجه شد و تا اواخر پاییز دو سال بعد تداوم یافت. در نتیجه می‌توان فهمید کرمانشاه تا چه‌اندازه زیر یوغ فشار بیگانگان بود. اما آنچه جرقه آن اعتصاب مشهور را زد، تلگراف ۲۰۰ نفر از رانندگان شرکت نفت کرمانشاه درباره شکایت از شخصی به‌نام «منتصر» که رئیس حمل‌ونقل و معاون شرکت نفت کرمانشاه خطاب به شرکت نفت انگلیس و ایران و مجلس شورای ملی در ۱۸ فروردین ۱۳۲۴ بود. آنان نوشتند: «[منتصر] با لگد زدن و کشتن جاسم عرب، راننده شرکت و کتک زدن اغلب رانندگان و رشوه گرفتن از عموم کارگران شرکت، مستقیماً و یا به وسایل عیدیه کارگران و رانندگان کرمانشاه را لخت نموده و میلیون‌ها ثروت از خون این بیچارگان را بانک‌ها جمع کرده است» و خواستار پیگرد قانونی معتصیان هیچ‌گاه به کار خود بازنگشتند.

تشکل تازج‌تأسیس شورای متحده ایالتی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان کرمانشاه به رهبری «عزت‌الله عتیقه‌چی» سوار بر موج شد و تحریک کرد تا سرانجام از بی‌عملی حکومت مرکزی، کارگران در نهم خرداد ۱۳۲۴ دست به اعتصاب زدند و خواسته‌های خود را «پرداخت دستمزد برای روز جمعه و ایام تعطیل، کاهش ساعت کار به هشت ساعت، اجرای قانون بیمه کارگران، رعایت اصول بهداشت در محیط کار و برخورد با احترام و نزاکت مسئولان پالایشگاه با کارگران و تحویل رشن (جیره کالایی) کارگران در روزهای تعطیل» اعلام کردند. تا ۱۲ خرداد، اعتصاب‌کنندگان ۲۴۰ نفر از کارگران و رانندگان پالایشگاه نفت بودند و در روزهای بعد شمار آنها به کمتر از هزار نفر، یعنی تقریباً به قاطبه کارگران و رانندگان پالایشگاه رسید. مطبوعات کسوری ترجیح دادند سکوت کنند و حتی اداره پست و تلگراف هم تلگراف‌های رسیده از کرمانشاه را با تأخیر به مقصد می‌رساند و اخبار آن، تنها در روزنامه‌های رهبر و ظفر (ارگان‌های حزب توده) و بیستون (ارگان شورای متحده ایالتی) منعکس می‌شد.

اعتصاب اما خیلی زود شکست خورد؛ کارگران و رانندگان به سر کار خود بازگشتند و شرکت نفت هم بی‌درنگ ۴۰۰ نفر از آنان را اخراج کرد. اعتصاب‌کنندگان گمان می‌کردند از پس اعتصاب دو هفته‌ای ۱۰ هزار کارگر شرکت نفت در آقاجاری در نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۲۵، در بازگشت به کار توفیق خواهند یافت. نامه‌هایی به احمد قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر نوشتند، مذاکراتی با رؤسای شرکت نفت کردند و قول‌ها و وعده‌هایی گرفتند؛ اما هیچ‌یک به ثمر و اثر نرسید و معتصیان هیچ‌گاه به کار خود بازنگشتند.

مدیرشرکت نفت کرمانشاه به‌جای اینکه به تقاضاهای حقه و قانونی کارگران رسیدگی کند، دست به یک عمل تحریک‌آمیز و مستبدانه می‌زند.

روزنامه ظفر، ۲۴ خرداد ۱۳۲۴

بعضی اتفاق‌ها در تاریخ معاصر ایران، کمتر دیده شده‌اند و مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما این موضوع از اهمیت‌شان نکاسته است. یکی‌شان اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت کرمانشاه است که ۸۰ سال پیش در چنین روزهایی آغاز شد. رخدادی که نخستین دست‌آزادکنشیدن کارگران در یکی از واحدهای شرکت نفت انگلیس و ایران، پس از اعتصاب اردیبهشت ۱۳۰۸ در پالایشگاه نفت آبادان بود، اما این دومی از آن یکی چه‌بسا مهم‌تر هم بود؛ زیرا پیش درآمد تحولاتی بود که شرکت نفت انگلیس و ایران باید در سال‌های بعد در عرصه‌های کارگری و سیاسی-اقتصادی با آن مواجه می‌شد. اگر بگوییم و مدعی شویم که با وجود ناکام ماندنش، از جمله زمینه‌سازان ملی‌شدن صنعت نفت ایران در پنج سال بعد بود، سخنی گزاف نگفته‌ایم و به بیراهه نرفته‌ایم. شرکت سهامی نفت کرمانشاه در بهار ۱۳۱۲ آغاز به کار کرد و در تابستان همان سال، عملیات